
سه نمایش نامه
به روایت محمد رحمانیان

پاتوغ پولشری

در یاروندگان

نشان پرتوهای گاما بر روی گل های همیشه بهار ...

محمد رحمانیان

www.ketab.ir



سرشناسه: رحمانیان، محمد، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: سه نمایش نامه به روایت محمد رحمانیان / محمد رحمانیان؛ ویراستار محمد نبوی.
مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۴۱ص: ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س.م.
شابک: 978-964-329435-9
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر اقتباسی است از سه کتاب "کافه پولشری" و "درباوندگان" و "پرتوهای گاما بر گل‌های همیشه بهار".
موضوع: نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian drama -- 20th century
رده‌بندی کنگره: PIR ۸۰۵۸
رده‌بندی دیویی: ۸۲۲/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۱۶۹۶۵

www.ketab.ir



محمد رحمانیان
سه نمایش نامه به روایت محمد رحمانیان
آماده‌سازی و ویرایش در دفتر نشر آگه
(ویراستار: محمد نبوی؛ صفحه‌آرا: فرشته آذرباد)
چاپ یکم: ۱۳۰۰
شمارگان: ۵۵۰ نسخه
چاپ و صحافی: فرهنگ‌بان
همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای نشر آگه محفوظ است

نشر آگه
تهران، خیابان بزرگمهر، تقاطع خیابان فلسطین، شماره‌ی ۲۲
تلفن: ۶۶۴۶۳۱۵۵ و ۶۶۹۷۴۸۸۴
ایمیل: info@agahpub.com
اینستاگرام: @agahpub
وب‌گاه: agahpub.com

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه
۹	پاتوغ پولشری
۳۳	دریاروندگان
۶۷	نشان پرتوهای گاما بر روی گل های همیشه بهار ...

www.kotab.ir

مقدمه

... و سوسه‌ی بازنویسی، برگردان آزاد، اقتباس و ایرانیزه کردن نمایش‌نامه‌های خارجی از همان نخستین نمایش‌نامه‌ای که به فارسی ترجمه شد وجود داشته و هم‌چنان تا به امروز ادامه دارد. اگر در این نکته هم‌رأی باشیم که برگردان منظوم «میرزا حبیب اصفهانی» از میزانتروپ مولیر یا همان گزارش مردم‌گزین نخستین ترجمه‌ی نمایش‌نامه به زبان فارسی است (استانبول؛ ۱۲۴۸ هجری شمسی) میزان برخورداری این ترجمه از نثر قجری، اشارات بومی و ضرب‌المثل‌های فارسی، میزان وفاداری مترجم را به اصل اثر خط‌به‌خط و صفحه‌به‌صفحه کم‌رنگ‌تر می‌کند. نکته‌ای که در ترجمه‌های بعدی از مترجمان متأخر آثار مولیر — مثلاً در ترجمه‌ی طیب اجباری توسط «محمدحسن خان اعتمادالسلطنه» — به وفور دیده می‌شود، حتی آثار ویکتور هوگو نیز از این سوسه در امان نمی‌مانند. ازجمله در ترجمه‌ی رضا کمال (شهرزاد) از تراژدی آنژلو که در آن مترجم هم فضای نمایش را از پا‌آوای ایتالیا به حرم خلیفه هارون‌الرشید در بغداد منتقل می‌کند و هم نام اثر را به «عزیز و عزیزه» تغییر می‌دهد.

در ادبیات نمایشی غرب نیز نمونه‌های پرشماری از این نوع روایت‌ها را شاهدیم؛ ازجمله بازخوانی نمایش‌نامه‌های بلند و کوتاه چخوف از سوی نمایش‌نامه‌نویسانی چون دیوید ممت و مایکل فرین.

همه‌ی این توضیح‌واضحات را از آن جهت تکرار کردم تا بگویم نگارنده در روایت

دوباره‌ی آثار نمایشی هیچ بدعتی را مرتکب نشده است. داستانِ کهنه‌ی یک دل‌بستگی دائمی است که پیش از این هم اتفاق افتاده است؛ در بازروایی نمایش‌نامه‌ی «دعوت» غلامحسین ساعدی که به نام «لباسی برای میهمانی» اجرا و چاپ و منتشر شد، و نیز بازروایی نمایش‌نامه‌های اسماعیل خلیج که عنوان «گلدان‌های شکسته‌ی گلدانه» را برایش مناسب دیدم. و نیز بازخوانی و اجرای چند اثر از چخوف با نام‌های «مرغ دریایی من یا چخوف‌ساد» و «آواز قوی آنتون چخوف» در دهه‌ی هشتاد... دست تقدیر سبب اتفاقاتی می‌شود، گاهی خوشایند. در ابتدای هر روایت دلیل انتخاب شدنم برای روایتِ هر یک از این آثار را به اختصار توضیح داده‌ام. روایت‌هایی که حاصلِ هم‌سخنی دست تقدیر است و متاعِ طالع...